

بارون دیده

گرداهای



سرشناسه: محترمی، ابوالفضل
عنوان و پدید آور: گداهای بارون دیده / ابوالفضل محترمی
مشخصات نشر: تهران، موسسه نشر شهر، ۱۳۸۶
مشخصات ظاهری: ۲۸ ص
فروست: کتاب مترو ۲۵
شابک: ۲۰۰۰ ریال: ۵-۸۵-۲۶۵۷-۹۶۴-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
موضوع: کاریکاتورها و کارتون ها.
شناسه افزوده: سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، موسسه نشر شهر.
رده بندی کنگره: ۱۳۸۶ / ۹۸۷ الف / ۷۲۶
رده بندی دیویی: ۶۵۱/۵۰۹۵۵۸۶۲
شماره کتابخانه ملی: ۹۹۶۶۳۶-۸۶ م



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران



مؤسسه نشر شهر
شماره ثبت: ۱۳۸۶ / ۹۸۷ الف / ۷۲۶

تهران، خیابان پاسداران، سه راه ضرابخانه، خیابان شهید ناطق نوری (زمرد)، شماره ۱۷، بوستان کتاب

تلفن: ۲۲۸۵۸۴۷۲-۲۲۸۴۳۳۷۸ نمابر: ۲۲۸۵۶۱۱۸

www.shahrpress.com

عنوان: کتاب مترو ۲۵

گداهای بارون دیده

طرح، اجرا و نگارش: ابوالفضل محترمی

ناشر: نشر شهر

چاپ اول: ۱۳۸۶

بها: ۲۰۰۰ ریال

این کتاب در پنجاه هزار نسخه توسط نشر شهر

لیتوگرافی، چاپ و صحافی شد.

همه حقوق محفوظ است.

شابک: ۵-۸۵-۲۶۵۷-۹۶۴-۹۷۸

می‌دونید فرق گدا با فقیر چیه؟

فقیر آدم شرافتمندیه که بنا به دلایلی از لحاظ اقتصادی

دچار بصران شده و نیاز به کمک و توجه داره اما گدا

آدم اقتصادمندیه که از لحاظ شرافت دچار بصران شده.

یادآوری می‌کنم که هر فقیری، گدا نیست و هر گدایی

هم البته فقیر نیست.

من دارم تلاش می‌کنم که به جوری بهتون بگم فوندن

این کتاب باعث نشه که همه مستمندان رو با یه چوب

بزنید و بی خیال کمک و دستگیری از بینوایان بشید.

تصمیم‌گیری در مورد این که کی مستفقه و کی نیست

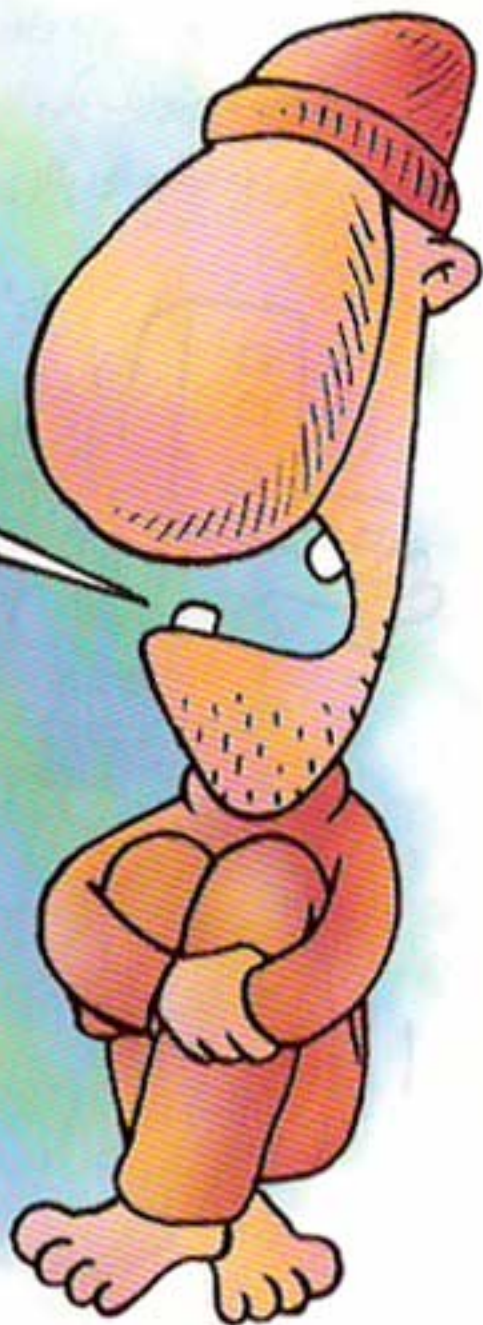
با خودتون، من فقط بخشی از تجربیات دیداری و

شنیداری خودم رو به تصویر می‌کشم، شاید کمکی باشه

تا چهره گدایی، این زگیل اجتماعی از شهرها

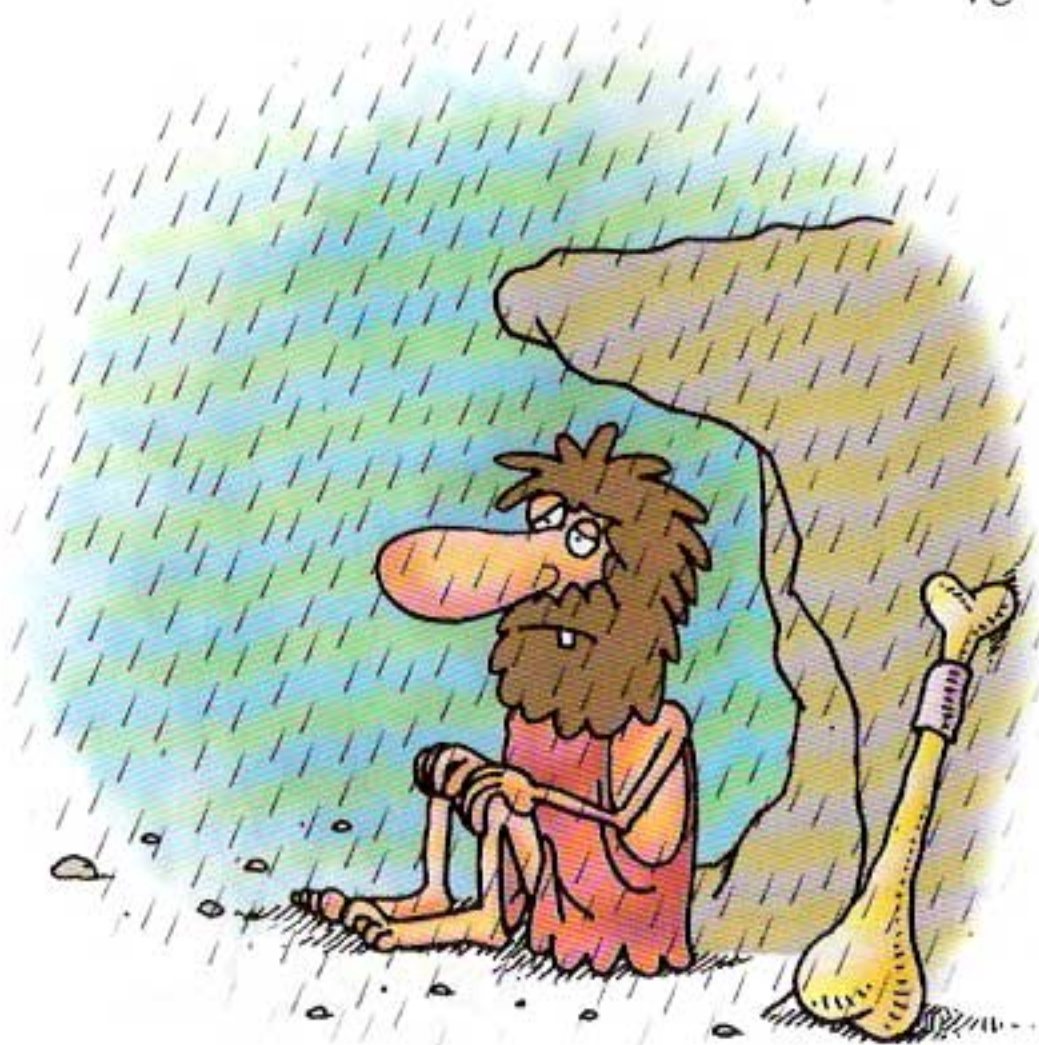
حذف بشه ...

ارادتمند شما، نویسنده

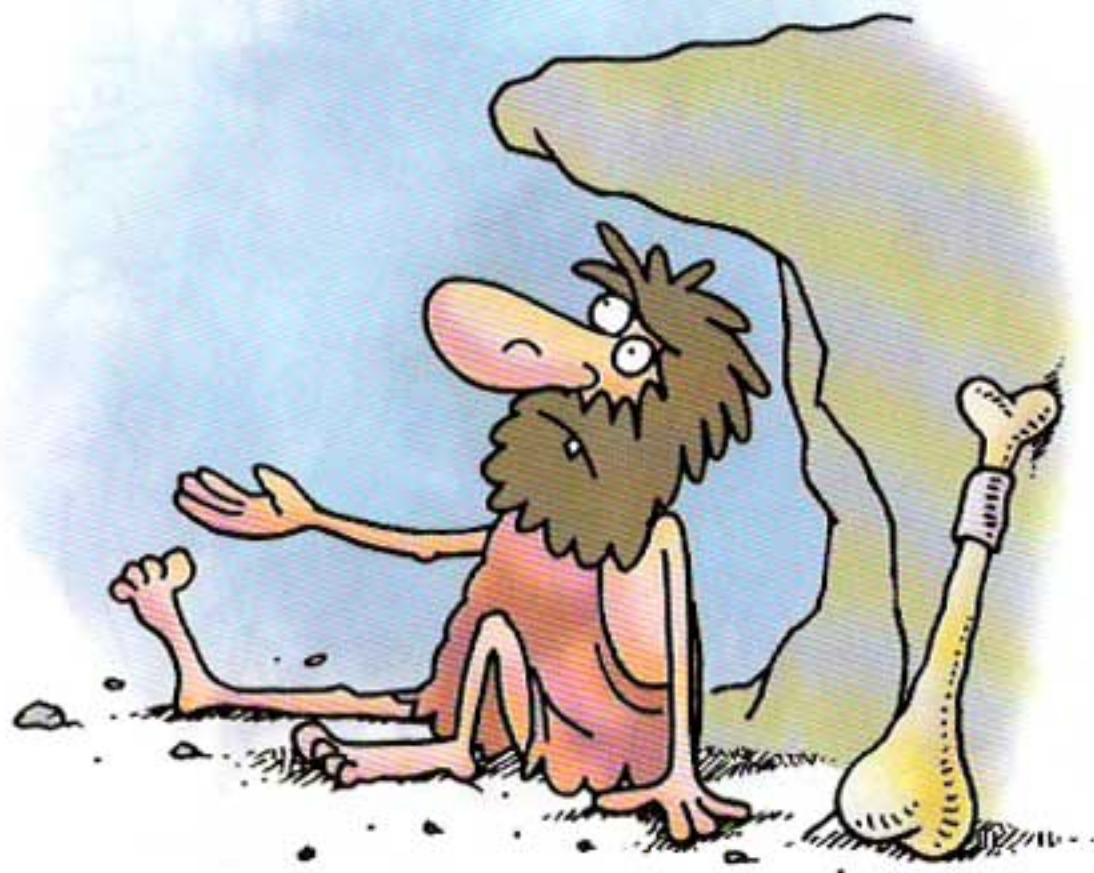




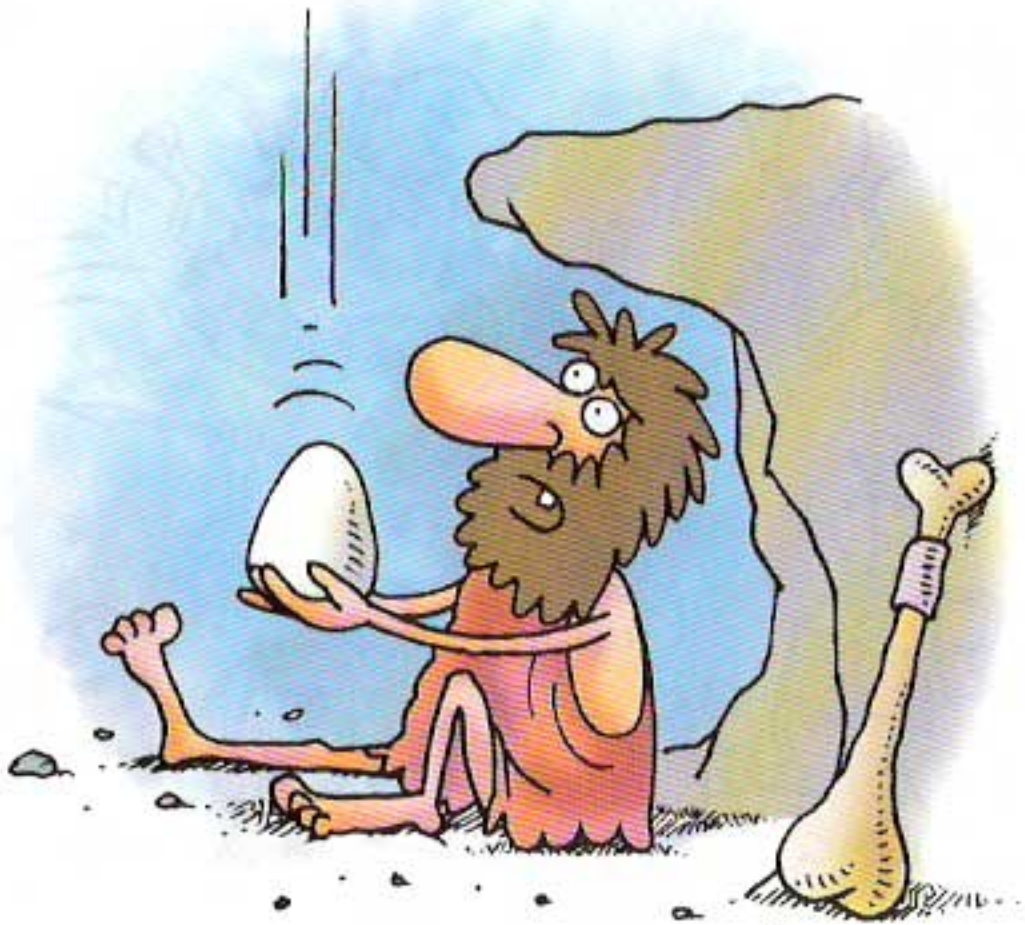
معلش ندید، اینا همینجورین. اجازه بدید بهتون بگم چی شد که این نوع فاض
از رفتار در نژاد بشر به وجود اومد.
در دوران مزوزوئیک یکی از شکارچیان نسل بشر از بقیه قبیله دور افتاد و به خاطر
بارندگی به صفره ای پناه برد.



مدتی گذشت و هوا کم کم آروم شد. انسان اولیه ابتدایی ترین روش رو برای
پی بردن به وضعیت هوا به کار برد.
دستش رو از زیر صفره بیرون آورد و رو به آسمان گرفت.



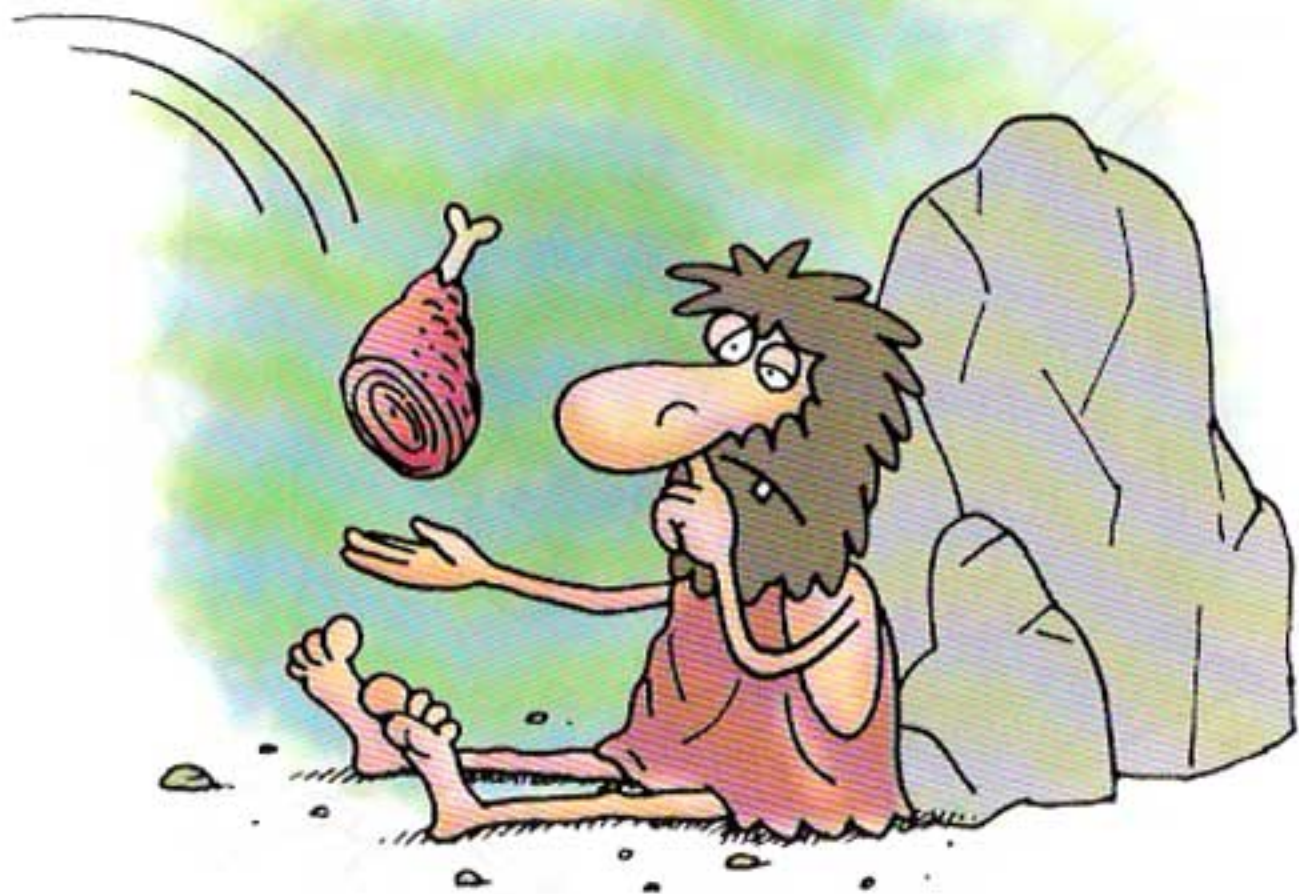
و درست در همین لحظه یکی از پرندگان اولیه که وضعیت او را نسی داشت
نتونست این وضع رو تحمل کنه و ...



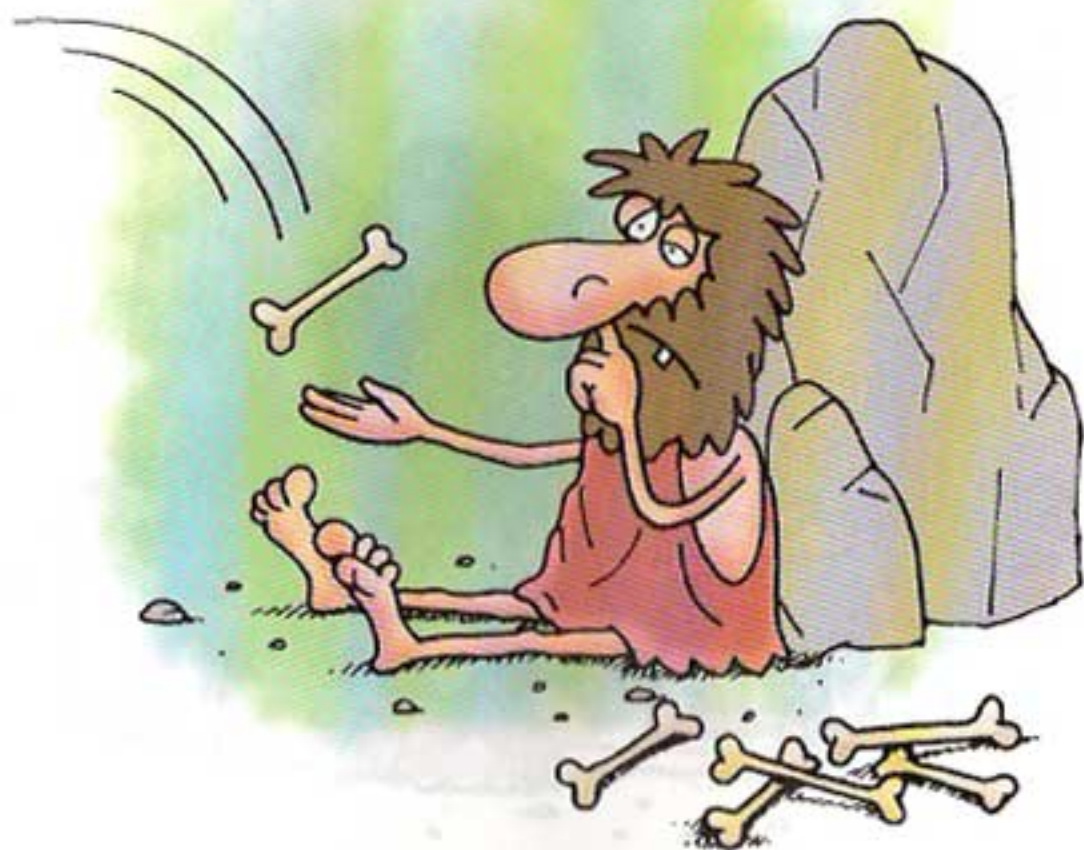
روز بعد افراد قبیله برای شکار بیرون رفتن، ولی اون مرد بارون دیده توی قبیله مونند.



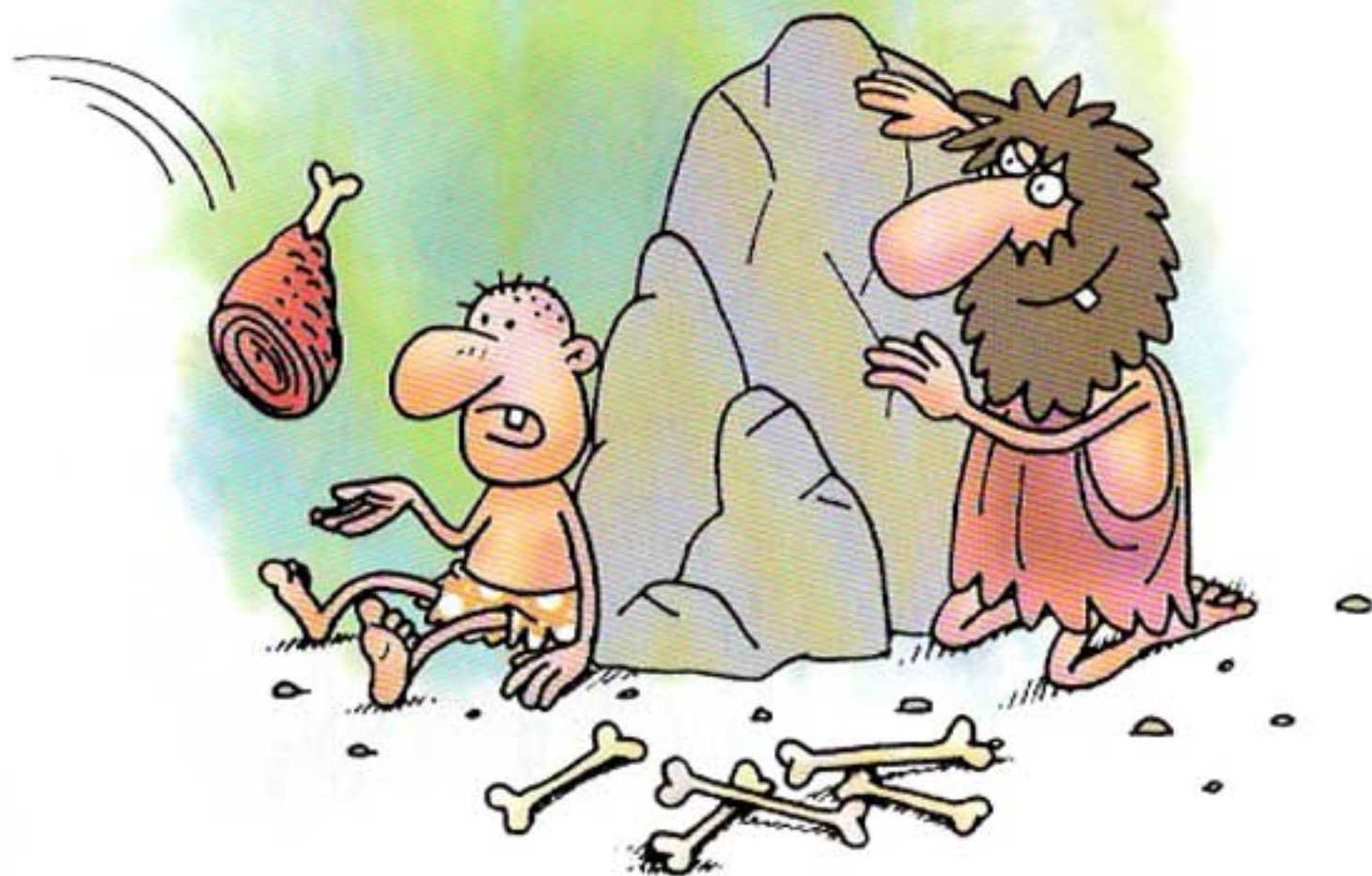
به عقیده روانشناسان اون شرطی شده بود. فکر می کرد که باید یه گوشه بشینه و دستش رو دراز کنه تا یه چیزی تالایی بیفته توی دستش. فوب البته نتیجه هم می گرفت.



بعد از مدتی افراد قبیله پی بردن که این آقا از احساسات نوع دوستانه او تا
سوء استفاده می‌کنه، بنابراین کمی از قسمت چرب احساساتشون کم کردن.



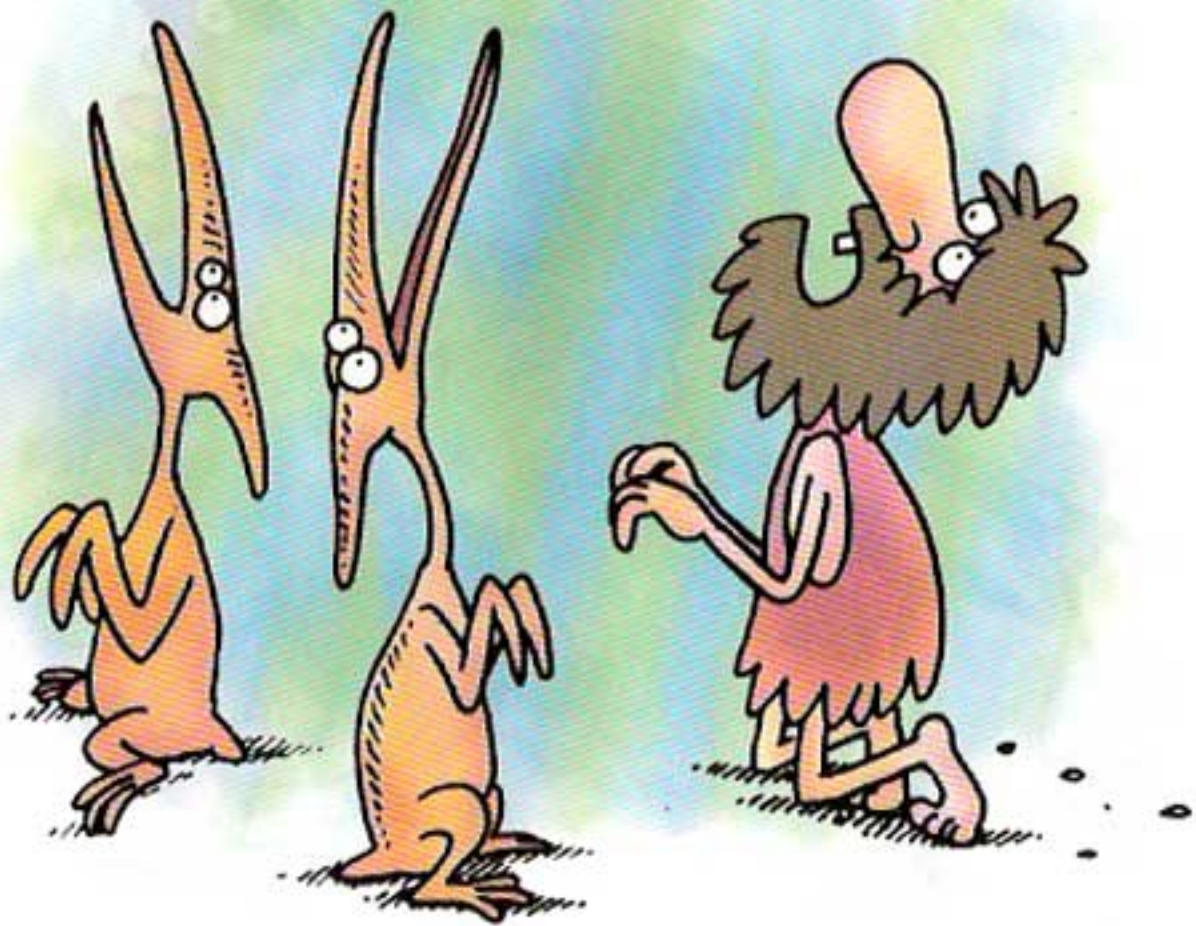
البته این گدای بارون دیده با روش های تفریک احساسات فوب آشنا شده بود. اون وظیفه خودش می دونست تا نزاره احساسات و عواطف بشری در مسیر تاریخ به فراموشی سپرده بشه، بنابراین استفاده ابزاری از کودکان رو پیش گرفت.



اما افراد قبیله طور دیگه ای فکر می کردن. بنابراین گدای نفسستین با افکار بشر دوستانه خودش
به منطقه ای فالی از اساس تبعید شد.



البته اون ناامید نشد و باز هم طبق نظریه و جوعانبینی قاص خودش
به زندگی در طبیعت ادامه داد.



و طولی نکشید که یک جوانبینی بزرگتر به زندگی پر از عواطف اون پایان داد.



این آفر ماچرا نبود. آثار به جا مونده از اون دوران باعث شد تا افرادی از نسل بشر به وجود مکتب و فلسفه فاضی از زندگی در قرون گذشته پی ببرن.



... و همون روش رو سرمشق زندگی خودتون قرار دادن؛
بیدار کردن احساسات و عواطف بشری به هر شکل ممکن.

به من نیم تنه کمک کنید!



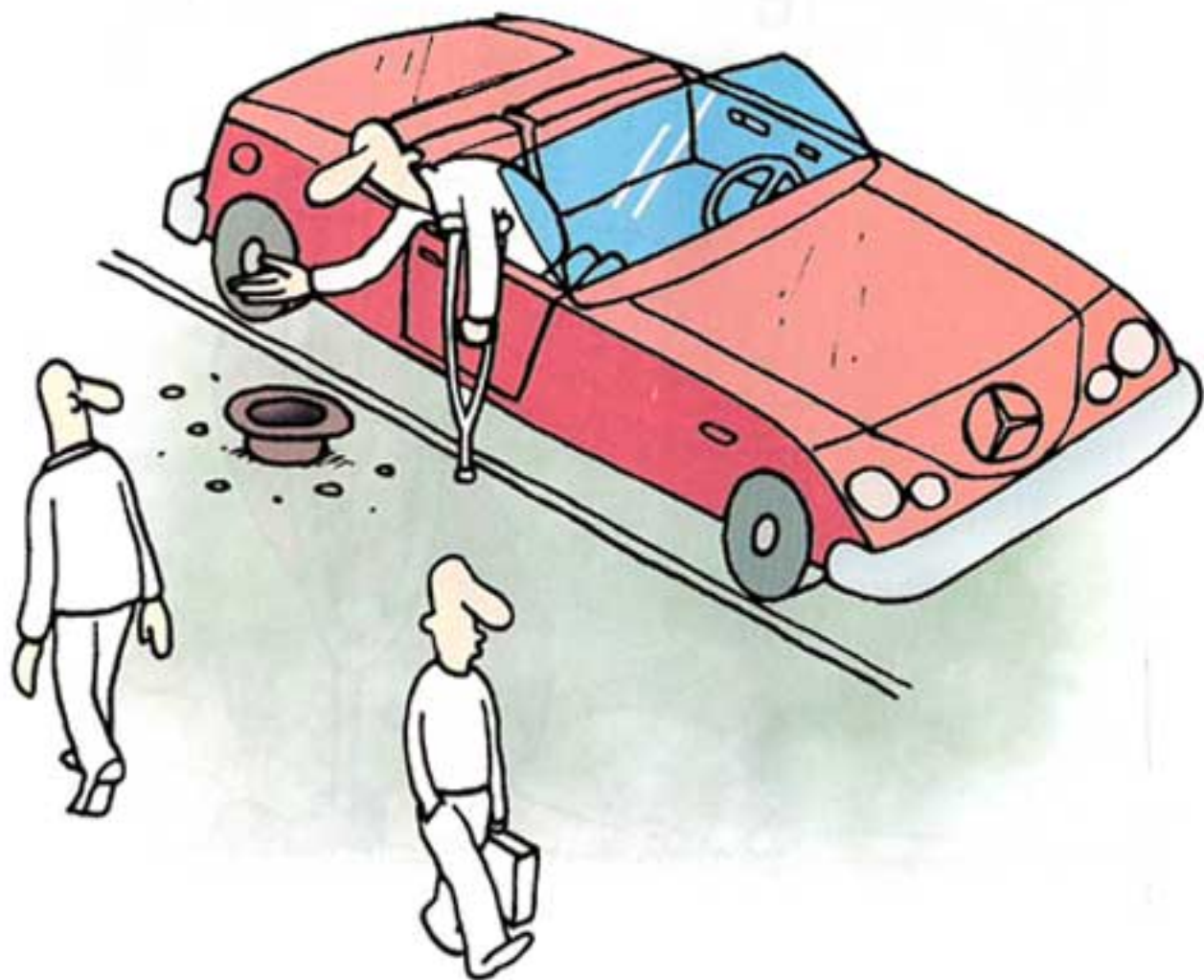


بعضی هاشون برای رسیدن به این هدف، ریاضت های طاقت فرسایی رو متحمل می شن.





و البته پایان هر ریاضتی بالاخره راحتی و آسایش به همراه داره.



بعضی از این افراد برای این که افراد جامعه رو متوجه مسایل افلاقی و انسانی کنن
حتی از شفصیت فوشون هم مایه می ذارن.

من مارر پنج تا بچه یتیمم
لطفاً کمک کنیدا

شک نکنید که این سیبیل است.



و یک عده دیگه هم برای بیدار کردن احساسات، میبور شدن از روش های
اجداد مزوزوئیکلی استفاده کنن.

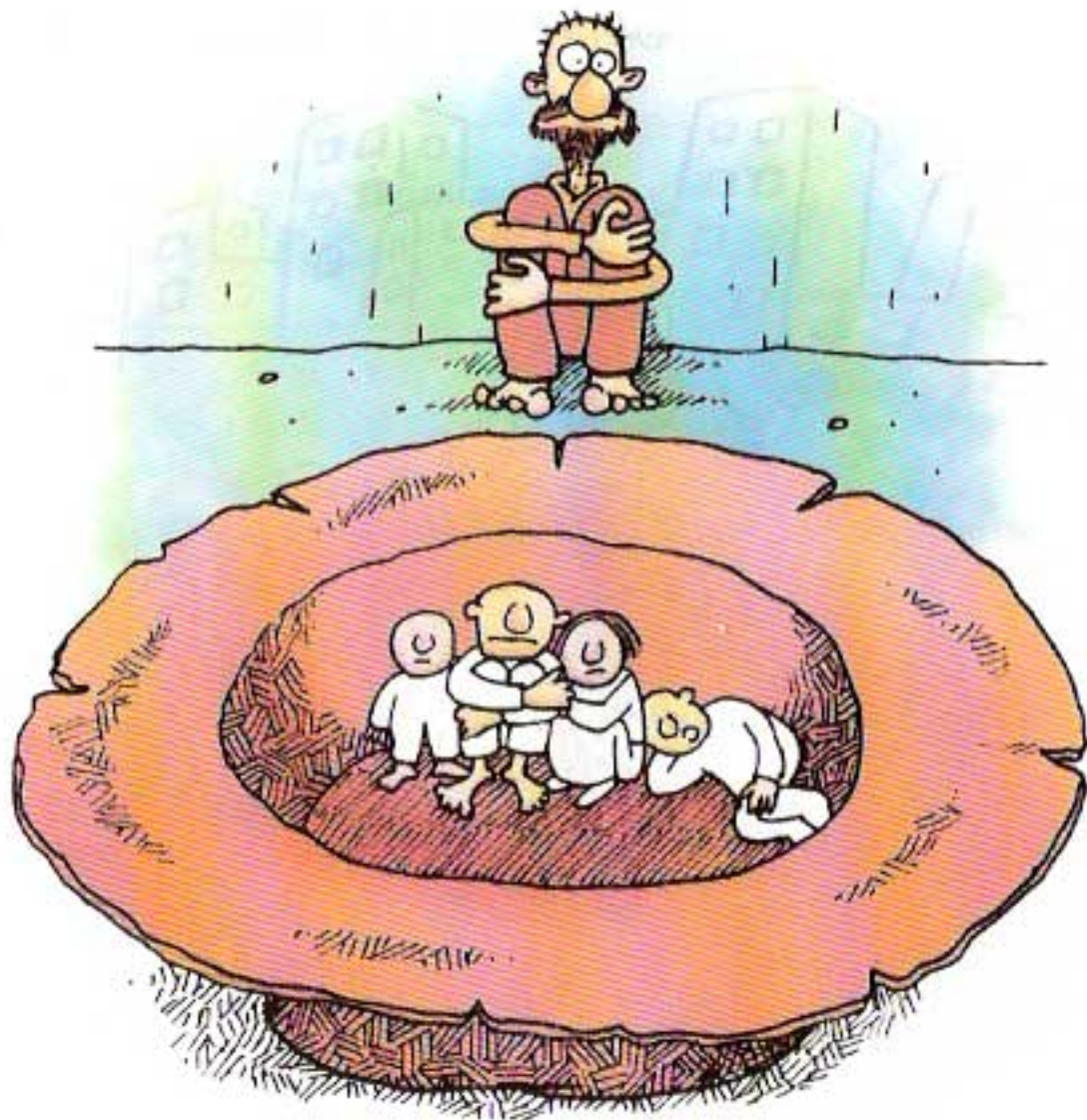
من یکی از بچه یتیم های همون فانم صغفه قبلیم.
احساسات بیدار میشه یا بیدارش کنم؟



اونجا به مرور به زندگی جمعی روی آوردن و برای خودشون سندیکا تشکیل دادن. کارشون تابع قانون های درون سازمانی شده و حالا خیلی منظم تر از کارمندان ادارات و خیلی زودتر از اونها، هر روز صبح با سرویس به محل کارشون اعزام می شن.



اونها به شیوه های مختلف عمل می کنند. یکی از روش های موثر، گدایی فناورگانه!
این روش برای غلیان احساسات تقریباً خوب جواب داده.



روش دیگه کداییه عوارضیه. آگه شما یادتون رفته باشه که صبح صدقه برید، این اشخاص
به صورت سیار عوارض احساسات رو دریافت می کنن.



و گدایی به روش رقابتی.

به من کمک کنید من ۱۵ تا
په دارم

کمک کنید، من ۳ تا په
یتیم دارم



شما هتمن با انواع و اقسام گدا بر فور د کردین.

گدای فزنده:

به شما می فومونه که داشتن پای سالم چقدر فوبه و شما باید برای این یادآوری اساسات فرج کنید.

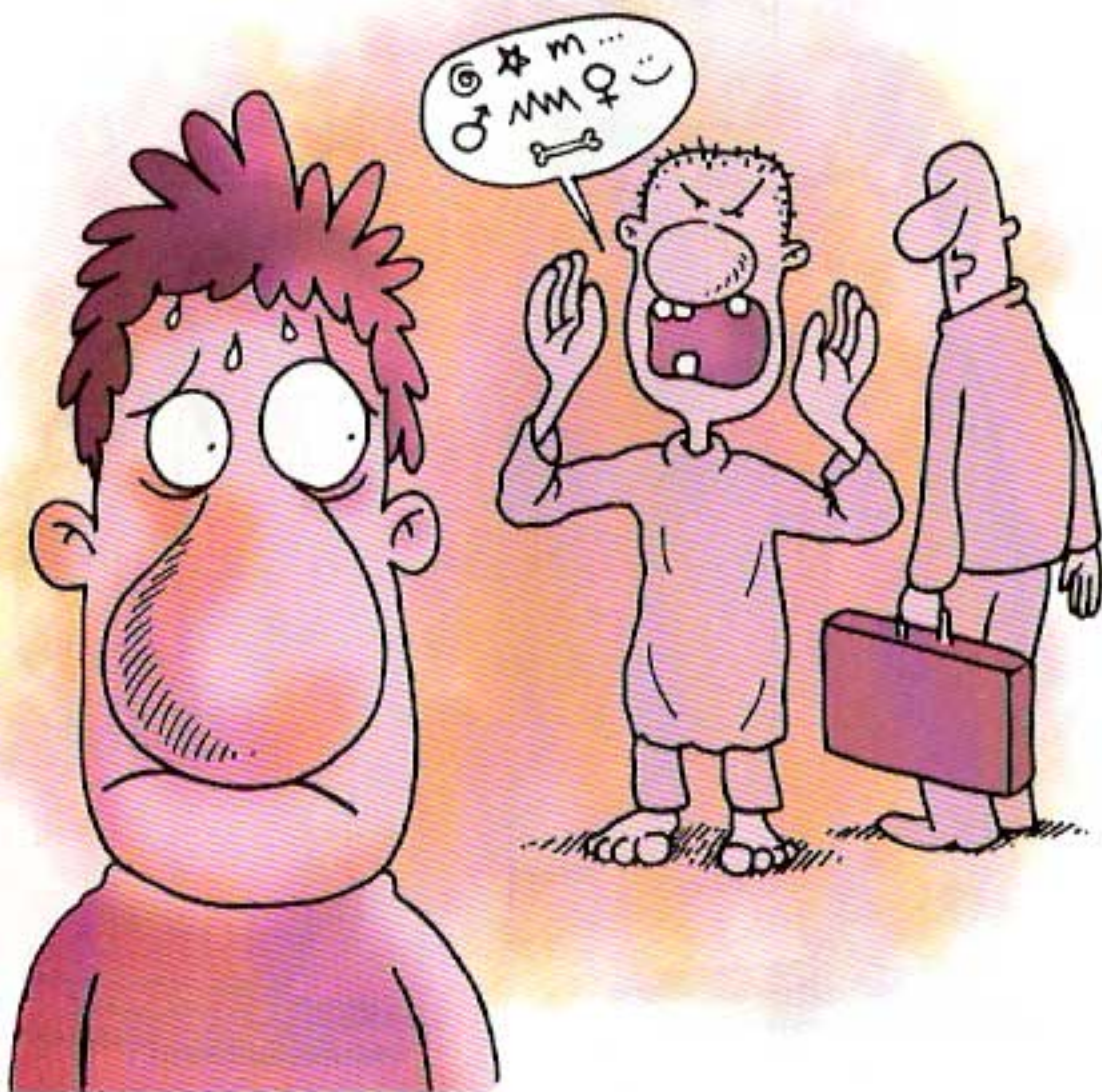


گردای جهنده (یا پسبنده)؛
معمولا از سنین پایین تر این روش آموزش داده می شه!



گدای رمنده (رم کننده):

کافیہ کہ شما بی احساس باشید. اونوقت این نوع گدا به روش غیر معمول از اطرافیانتون فواستگاری می کنه و با این کارش شما می فهمید که همه ایناء بشر با هم فامیلن یا به قول شاعر:
بنی آدم اعضای یکدیگرند.

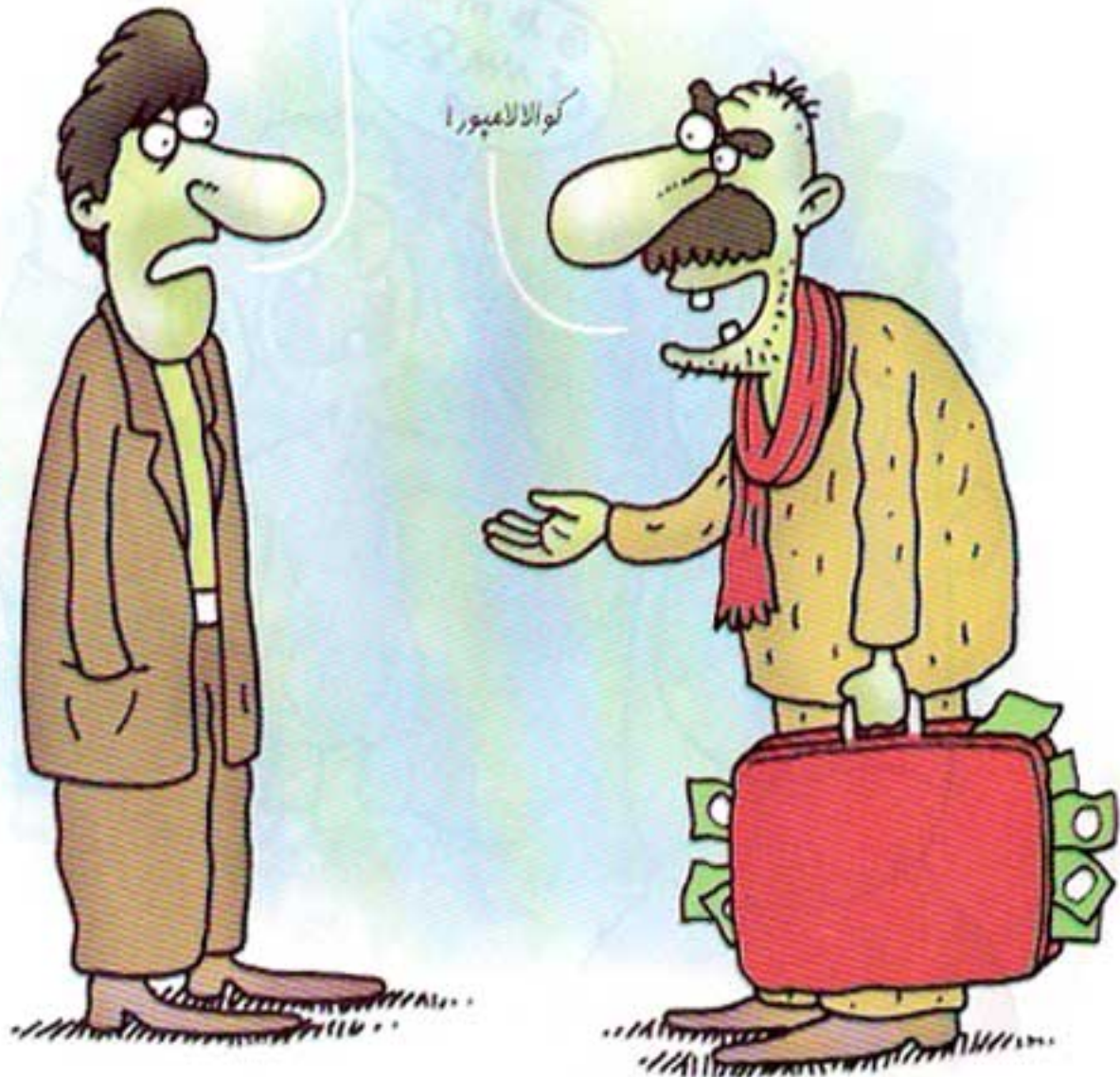


گردای رونده (مسافر):

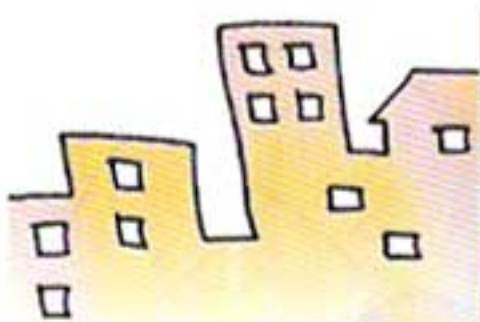
معمولا از شهرهای دور اومدن و پول برای بازگشت ندارن.

پدر جان عیبی نداره ما بیا برویم خودم بلیط بگیرم
راهبیت کنم پری. حالا اهل کدوم شهر ستانی؟

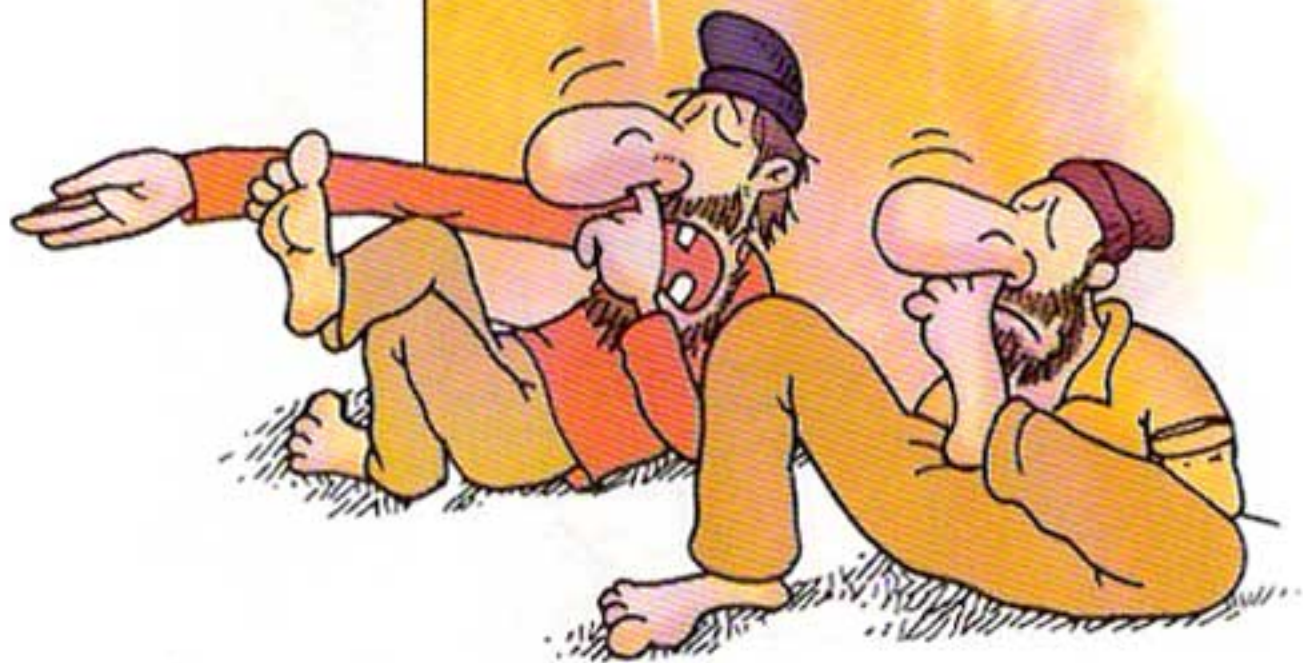
کوالامپورا



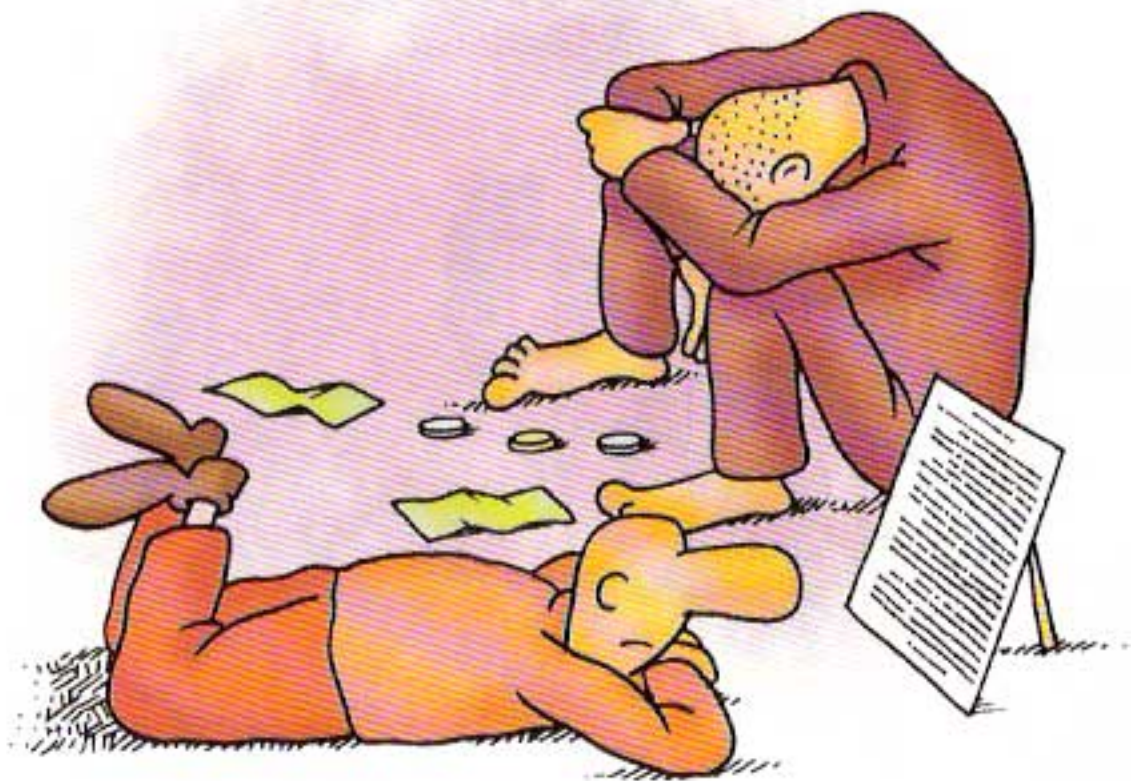
گدای لمنده (لم داده):
بیشترین نوع گدا در معابر شهری.



فعلن کسی این جا نیست.
دستو از توی پیر هنت در آر
با دست مشغول باش.



گردای نویسنده:
فتما شما هم دیدید.



گداهای خواننده:

البته به این شکلی که می بینید هنوز مر سوم نشده. بیشتر به شکل سنتی مشاهده می شه و بیشتر در قسمت میانی اتوبوس های شرکت واقع.



گداهای فمنده (فم شونده):
گداهایی که از فرط اعتیاد (بیمشید) احتیاج، کمرشون فم شده ا



گداهای دمنده (همراه با دود و دَم)
معمولا در مراکز تجاری و سر چهار راه ها دیده می شن. اونا به ما یادآوری می کنن که
هوای پاک چه نعمت بزرگیه.



گداهای دوشیفته:
الگوهایی که باید سرمشق دیگران قرار
بگیرن. پر از وجدان کاری و
احساس مسئولیت برای بیداری
احساسات ما ...



اونتا برای این کار هر نوع
احساسی رو در وجود خودتون از بین می برن.



گداهای شرافتمند!

که حاضرین برای درمان فرزندان خود دست به هر کاری بزنند.



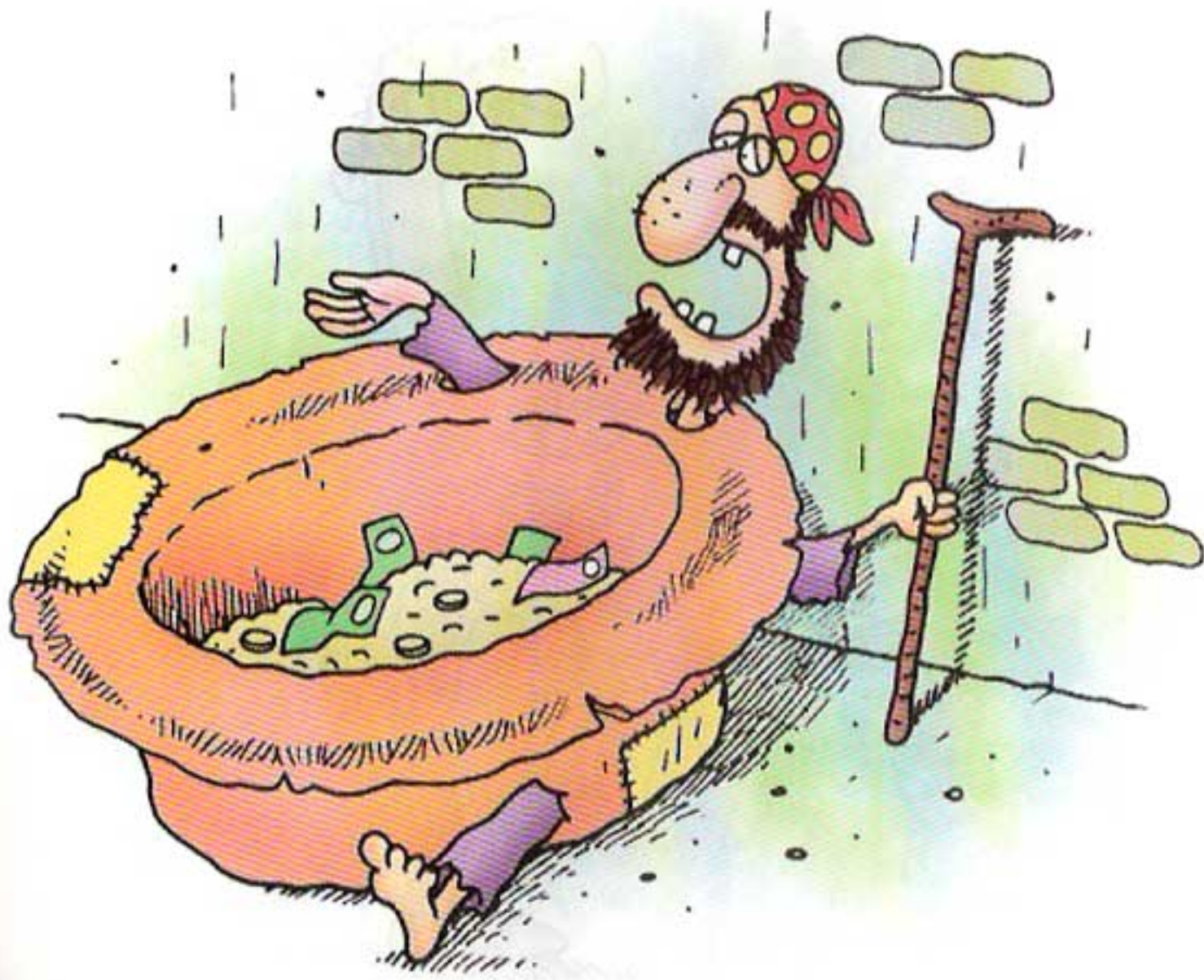
گفتم شر اختمنر؟؟؟ بیفشیر ظاهرن اشتباه شده!

امشب قرصن شو ابو بریز
تو غذای کو چیکتره، دل مردم
واسه اون بیشتر می سوزه ...



گداهای گدا:

که فقط دوست دارن پول جمع کنن و هیچ علاقه ای به فرج کردن اون ندارن.



گدای میفروخ:

در اکثر اوقات دارای دست و پای شکسته و پانسمان شده هستش.



گدای فلاق:

این گدا این توانایی رو داره که حضور شما رو در هر نقطه از کره زمین پیش بینی کنه.

چون شب جمعه اس،
هوس کردی بیای کوه فوبه
اما اموات چه گناهی کردن.
شب فیراته ا دلشونو شاد کن.



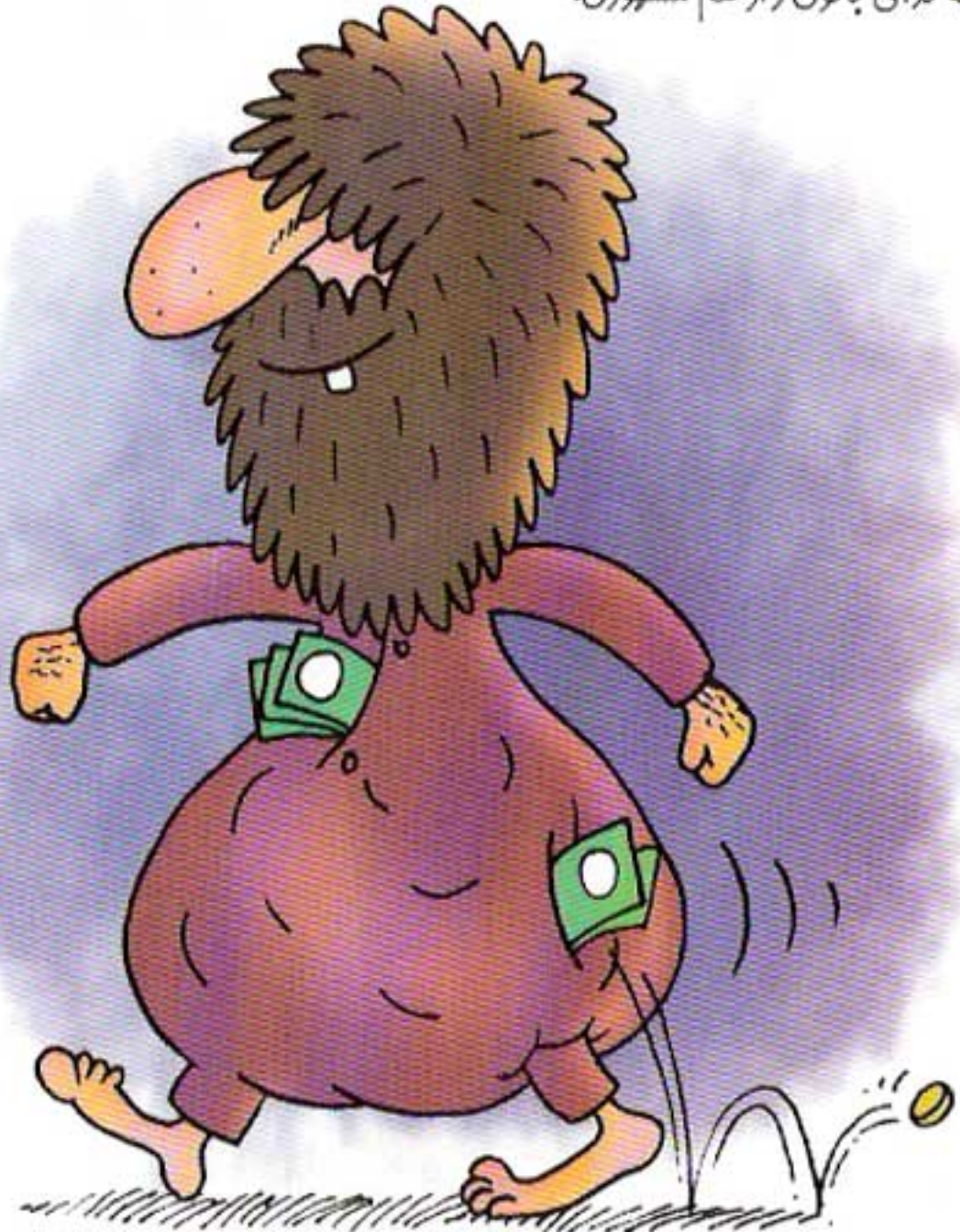
گدای بارون دیده
اصیل ترین بازمانده گدای نفستین



گدای بارکنگی!

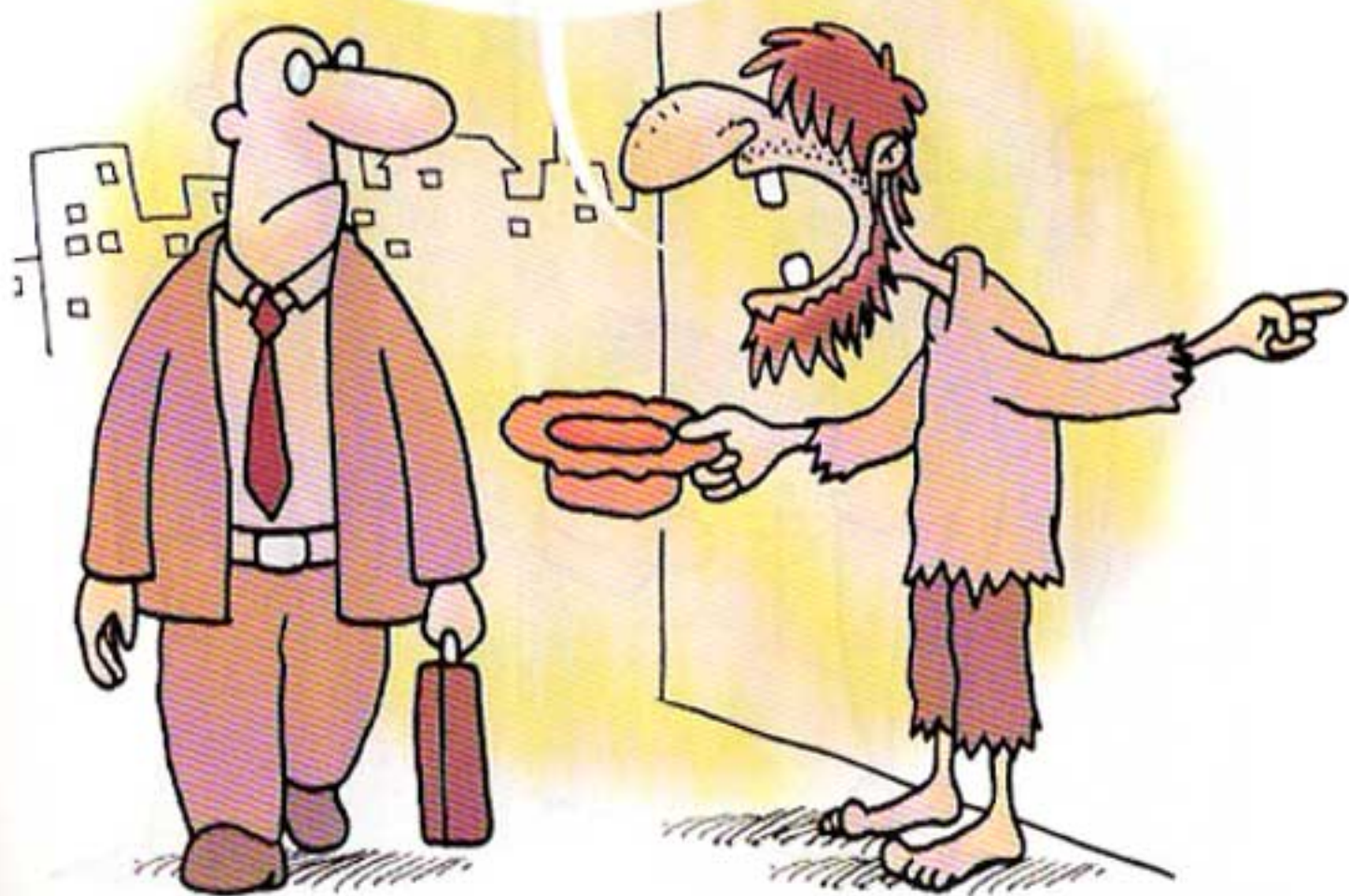


البته به گدای بالون دار هم مشهورن.



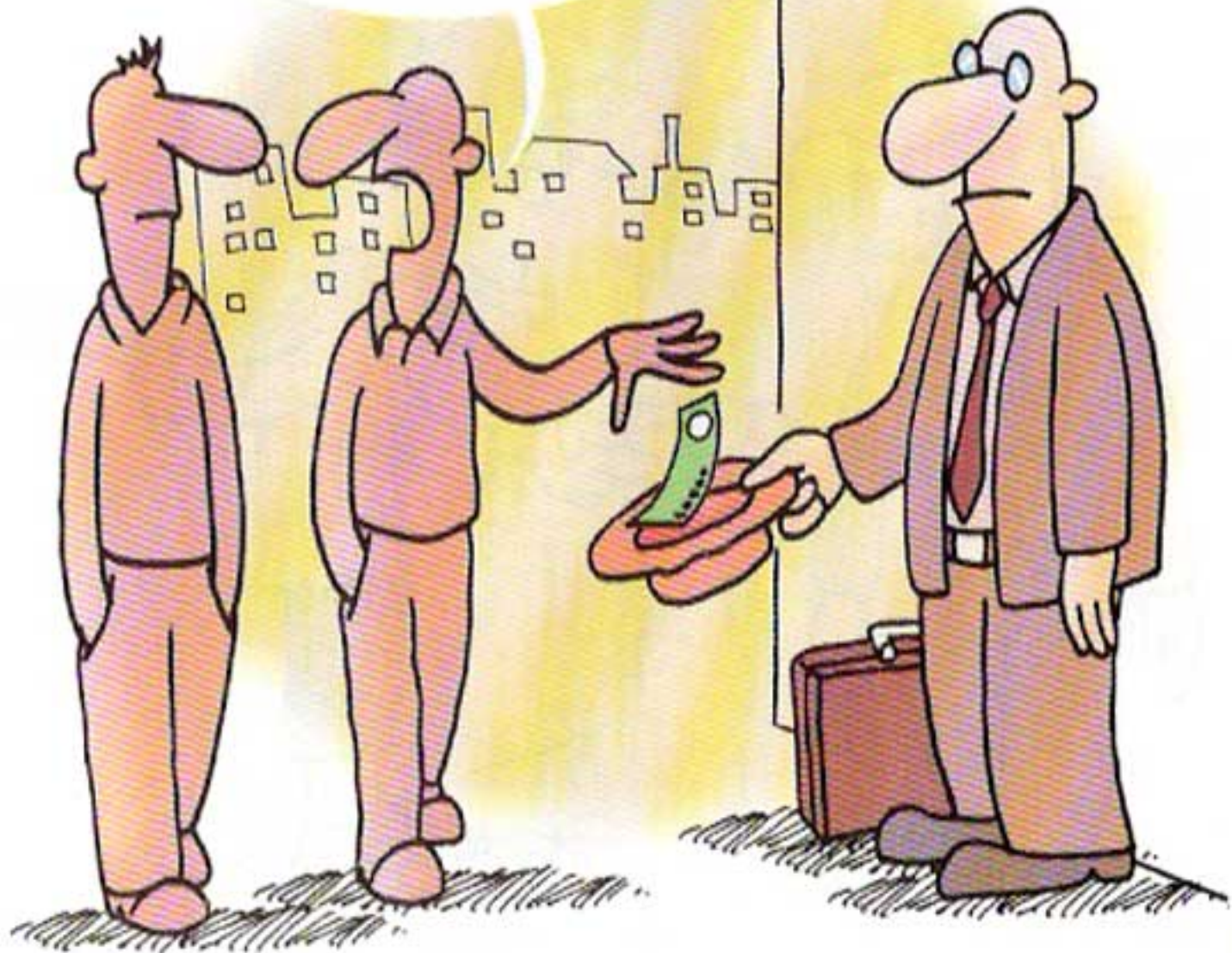
صرف آفر؛ یادتون باشه این صرفه قاصیت عجیبی داره.

آقا ببخشید می شه چند دقیقه
جای من وایسید. کلاب به رو تون
زود برمی گردم.



شغل به ظاهر آسون و راحتیه ...

از این یکی فوشم اوومد.
ظاهر و باطنش یکبه، تظاهر نمی کنه که نداره.
تو هم بعش کمک کن.



و درآمد فوبی هم داره ...

ایول بابا اینکاره ا
فوب کاسب بودی ها، دمت گرم



و این فطر ناکه





بانک خون بند ناف رویان

ROYAN CORD BLOOD BANK

حفظ و نگهداری سلول های بنیادی خون بند ناف
برای استفاده احتمالی در آینده ، انتخابی است که
امروزه تعداد زیادی از پدران و مادران در سراسر جهان
برای فرزندشان خود محور توجه قرار می دهند



نگهداری سلول های بنیادی خون بند ناف پشتوانه سلامت خانواده

www.rsct.ir Email: info@rsct.ir

آدرس : بزرگراه رسالت ، بعد از پل سپید خندان ، خیابان پتی هاشم ، بعد از میحان پتی هاشم ،
نوبت کوچه شقایق ، پلاک ۳۵
تلفن : ۲۲۵۱۸۲۸۲-۲۲۵۱۴۶۵۴



سازمان مرکزی بنیادی خونی شهرداری تهران



موسسه انبار شهر
بنیادی خونی شهرداری تهران